

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ ۹۸/۰۸/۲۴

موضوع: ویژگیهای انحصاری پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در قرآن کریم

(سخنرانی روز هفدهم ربیع الأول، مصلى قدس)

فهرست موضوعات این سخنرانی:

اتفاقاتی که در صبح تولد پیامبر اکرم در عالم به وقوع پیوست!

ویژگیهای انحصاری پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در قرآن کریم

۱- دفاع شخص خداوند از پیامبر اکرم

۲- تقدم ذاتی در اسلام و تسلیم بودن به امر الهی

۳- رحمة للعالمین بودن پیامبر اکرم

۴- برخورد شدید با پیمان شکنان

انکار وحدت در میان امت اسلامی، در حقیقت انکار قرآن است!

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على

رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله

الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله.

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم. میلاد خجسته پیامبر رحمت، نبی مکرم حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) و فرزند بزرگوارش امام جعفر صادق (علیه السلام) رئیس مذهب شیعه و بنیانگذار دانشگاه بزرگ اسلامی که بیش از چهار هزار شاگرد برومند و توانمند، تحویل جامعه اسلامی داد را به پیشگاه مقدس مولایمان حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و به همه شما گرامیان تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

خدا را به آبروی نبی گرامی اسلام و امام صادق سوگند می‌دهم عیدی ما را فرج موفور السرور مولایمان حضرت ولی عصر قرار بدهد، ان شاءالله.

### اتفاقاتی که در صبح تولد پیامبر اکرم در عالم به وقوع پیوست!

امروز که روز میلاد نبی مکرم اسلام هست، بنده تنها اشاره‌ای می‌کنم به قضایایی که در صبح گاه میلاد نبی گرامی اسلام اتفاق افتاد که مورخین و محدثین آن را مفصل نقل کردند.

در این زمینه بهترین و زیباترین سخن را «مرحوم شیخ صدوق» در کتاب «أمالی» آورده است که به مجرد ولادت نبی گرامی اسلام، اتفاقات گوناگونی در جهان هستی به ویژه در جزیره العرب افتاد؛

«وَأُضْبِحَتِ الْأَضْثَامُ كُلُّهَا صَبِيحَةَ وُلْدِ النَّبِيِّ لَيْسَ مِنْهَا صَنْمٌ إِلَّا وَهُوَ مُنْكَبٌّ عَلَى وَجْهِهِ»

در صبح روز ولادت پیغمبر اکرم همه بتها سرنگون شدند و با صورت بر روی خاک افتادند.

«وَأَزْتَجَسَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ إِيْوَانُ كَسْرَى وَ سَقَطَتْ مِنْهُ أَرْبَعُ عَشْرَةَ شُرْفَةً وَ غَاضَتْ بُحَيْرَةُ سَاوَةَ وَ فَاضَ وَادِي

السَّمَاوَةِ وَ حَمَدَتِ نَيْرَانُ فَارِسَ وَ لَمْ تَخْمُذْ قَبْلَ ذَلِكَ بِأَلْفِ عَامٍ»

در آن شب طاق کسری شکست برداشت و چهارده کنگره از آن فروریخت و دریاچه ساوه خشک شد و وادی ساوه پر از آب شد و آتشکده فارس که از هزار سال فروزان بود خاموش گردید.

الأمالی، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ص ۲۸۵، ح ۱

تمام مردم در جزیره العرب وقتی این قضایا را دیدند، به جنب و جوش افتادند. به ویژه علمای یهود که این قضایا را در کتب خود خوانده بودند که با آمدن نبی گرامی اسلام، اتفاقات خارق العاده ای در دنیا ایجاد خواهد شد.

لذا یهودیان از گوشه و کنار کشورها به مکه آمدند و از مردم قریش سؤال می کردند که آیا در میان شما در چنین شبی فرزندی به دنیا آمده است یا خیر!؟

مردم قریش ابتدا اظهار بی اطلاعی می کردند، اما پس از اینکه مطلع شدند خداوند به «عبدالله» فرزندی داده است به در خانه آن بزرگوار آمدند.

«یوسف یهودی» که جایگاه ویژه ای در میان مردم داشت، با دیدن قنداقه مبارک نبی مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) حالت عادی خود را از دست داد و بیهوش شد.

او سپس گفت: این همان مولودی است که پیامبران گذشته بشارت آمدن او را دادند. با آمدن او، دیگر ادیان بساط خود را بر خواهند چید و برنامه اسلامی این مرد، سراسر جهان را فرا خواهد گرفت.

**ویژگیهای انحصاری پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در قرآن کریم**

نکته دیگر در رابطه با ویژگی‌هایی است که قرآن کریم منحصرأ در رابطه با نبی گرامی اسلام بیان فرموده است و وجه میز میان نبی گرامی اسلام و دیگر انبیاء گذشته است.

## ۱- دفاع شخص خداوند از پیامبر اکرم

ما می‌بینیم دیگر انبیاء همواره خودشان از خودشان دفاع کردند. وقتی قوم حضرت نوح (علیه السلام) به او اتهام ضلالت و گمراهی زدند، فرمود:

(يا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَ لَكُنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ)

ای قوم من! هیچگونه گمراهی در من نیست، ولی من فرستاده پروردگار جهانیانم.

سوره اعراف (۷): آیه ۶۱

وقتی قوم حضرت هود (علیه السلام) به او اتهام سفاهت زدند، فرمود:

(يا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَ لَكُنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ)

ای قوم من! هیچگونه سفاهتی در من نیست، ولی فرستاده‌ای از طرف پروردگار جهانیانم.

سوره اعراف (۷): آیه ۶۷

اما می‌بینیم خدای عالم خود شخصاً از نبی گرامی اسلام دفاع می‌کند و می‌فرماید:

(وَ مَا صَاحِبِكُمْ بِمَجْنُونٍ)

و صاحب شما (پیامبر) دیوانه نیست.

سوره تکویر (۸۱): آیه ۲۲

یا:

(وَ مَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلاً مَا تُؤْمِنُونَ)

و گفته شاعری نیست، اما کمتر ایمان می‌آورید.

سوره الحاقه (۶۹): آیه ۴۱

در همه جا، خداوند عالم شخصاً از نبی گرامی اسلام دفاع فرموده است. این نکته‌ای قابل توجه است، گرچه سخن در این زمینه زیاد است.

۲- تقدم ذاتی در اسلام و تسلیم بودن به امر الهی

نکته دیگری که در اینجا وجود دارد، این است که می‌بینیم حضرت ابراهیم (علی نبینا و آله و علیه السلام) در آخر عمر از خدا می‌خواهد او را مسلم و تسلیم او قرار دهد و می‌فرماید:

(رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ)

پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خود قرار ده و از دودمان ما امتی که تسلیم فرمانت باشد به وجود آور.

سوره بقره (۲): آیه ۱۲۸

حضرت نوح می‌فرماید:

(وَ أَمَرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ)

و من مامورم که از مسلمین (تسلیم شدگان در برابر فرمان خدا) باشم.

سوره یونس (۱۰): آیه ۷۲

ولكن نبى گرامى اسلام برخلاف ديگر انبياء الهى مى فرمايد:

**(وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ)**

و من نخستين مسلمانم!

سوره انعام (٦): آيه ١٦٣

در اين كه مراد از فرمايش پيغمبر اكرم از "من اولين مسلمان هستم" سخن بسيار زياد است. بنده تنها جمله اى را كه «احمد بن حنبل» رئيس مذهب حنابله متوفى ٢٤١ در كتاب «فضائل الصحابة» جلد ٢ صفحه ٦٦٢ آورده است بيان مى كنم. پيغمبر اكرم فرمود:

**«كنت انا و على نورا بين يدي الله عز و جل قبل ان يخلق آدم بأربعة عشر ألف عام»**

من و على نورى بوديم و در برابر خدا عبادت مى كرديم چهارده هزار سال قبل از آنكه حضرت آدم آفريده شود.

فضائل الصحابة - أحمد بن حنبل، الكتاب: فضائل الصحابة، المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني،

الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة الأولى، ١٤٠٣ - ١٩٨٣، تحقيق: د. وصى الله محمد عباس، ج ٢،

ص ٦٦٢، ح ١١٣٠

شايد **(وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ)** اشاره اى به همين قضيه رتبه ذاتى حضرت باشد، نه رتبه مقامى كه بعضى از مفسرين آن را آورده اند.

### ۳- رحمة للعالمين بودن پیامبر اکرم

نکته بعدی که در رابطه با رسول گرامی اسلام قابل ذکر است و معمولاً در میان جلسات ما توسط منبری‌ها و بزرگان ما مطرح می‌شود، بحث رحمة للعالمين بودن نبی گرامی اسلام است. این قضیه هم اختصاص به رسول اکرم دارد، چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

**(وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ)**

ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم.

سوره انبیاء (۲۱): آیه ۱۰۷

نکته ظریفی که در اینجا وجود دارد، این است که آیا نبی گرامی اسلام برای همگان رحمة للعالمين است یا رحمة للعالمين بودن آن بزرگوار موردی دارد و خشم و غضب آن حضرت مورد دیگری دارد. همانطور که ما در دعای افتتاح می‌خوانیم:

**«وَ أَيْقَنْتُ أَتَّكُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ»**

خدایا من بر این عقیده هستم که تو ارحم الراحمين هستی در جایی که نیاز به رحمت است.

**«وَ أَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ التَّكَالِ وَ التَّقْمَةِ»**

و شدیدترین عقاب کننده هستی در جایی که نیاز به انتقام و غضب دارد.

تهذیب الأحكام، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ج ۳، ص

خداوند متعال در جایی می‌فرماید:

(تَبَّعْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ)

بندگانم را آگاه کن که من غفور و رحیمم.

سوره حجر (۱۵): آیه ۴۹

همچنان که در جای دیگر می‌فرماید:

(إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ)

مسلماناً ما از مجرمان انتقام خواهیم گرفت.

سوره سجده (۳۲): آیه ۲۲

خداوند متعال همانگونه که نسبت به مؤمنین وعده بهشت می‌دهد، نسبت به مشرکین و مجرمین و کفار وعده دوزخ می‌دهد. نبی گرامی اسلام هم این چنین است.

نبی گرامی اسلام عیناً همان صفت الهی را در جایی که نیاز به رحمت و رأفت باشد، از صفت رأفت و رحمانیت خود استفاده می‌کند. همچنین اگر قرار باشد در جایی نیازی به غضب و خشم و خشونت باشد، حضرت از غضب و خشونت استفاده می‌کند.

(مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ)

محمد فرستاده خدا است و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند.



## سوره فتح (۴۸): آیه ۲۹

پیغمبر اکرم و یارانش نسبت به مؤمنین محبت و رأفت دارند و در برابر کفار و مشرکین با شدت برخورد می‌کنند. بنابراین اگر ما تنها رأفت نبی گرامی اسلام را مطرح کنیم و مواردی که حضرت غضب و خشم کرده است را کنار بگذاریم، یک سویه رفته‌ایم و آنچه حق مطلب است را ادا نکرده ایم.

## ۴- برخورد شدید با پیمان شکنان

نبی گرامی اسلام با بسیاری از اقوام و طوائف عهد و پیمان می‌بندد. مادامی که آنان بر عهد و پیمان خود پایبند هستند، پیغمبر اکرم هم پایبند است. بنابراین قرآن کریم با صراحت می‌فرماید:

(وَإِنْ جُنْحُوا لِلْسَّلْمِ فَأَجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ)

و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآ، و بر خدا تکیه کن که او شنوا و داناست.

## سوره انفال (۸): آیه ۶۱

قرآن کریم به پیغمبر اکرم دستور می‌دهند که اگر قبایل نیازمند و پیشنهاد دهنده زندگی مسالمت آمیز بودند، تو هم با آنان زندگی مسالمت آمیز داشته باش. دقت داشته باشید این فرمایش در همه جا نیست، همچنانکه در جای دیگر دستور می‌فرماید:

(وَإِذَا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَأَبْذُ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ)

و هر گاه (با ظهور نشانه‌هایی) از خیانت گروهی بیم داشته باشی (که عهد خود را شکسته حمله غافلگیرانه کنند) به طور عادلانه به آنها اعلام کن (که پیمانشان لغو شده است) زیرا خداوند خائنان را دوست نمی‌دارد.

## سوره انفال (۸): آیه ۵۸

قرآن کریم در این آیه شریفه دستور می‌دهد که اگر با قومی که عهد و پیمان بسته‌ای عهد و پیمان شکستند، تو هم عهد و پیمان بشکن!

اگر آنها خیانت کردند، و اگر تو احساس می‌کنی و از خیانت و عهدشکنی آنها می‌ترسی، تو هم با آنها عهد شکنی کن و عهد شکستن را هم به اطلاع آنها برسان.

مشاهده کنید نبی گرامی اسلام با قبایل یهود در مدینه عهد و پیمان می‌بندد، مادامی که آنها به عهد و پیمان خود پایبند هستند، نبی گرامی اسلام هم پایبند است. ولی به مجرد اینکه آنها عهد می‌شکنند، پیغمبر اکرم نمی‌رود بعد از شکستن عهد با آنها مذاکره کند و یا عهد دیگری ببندد!

«بنی قریظه» ابتدا عهد و پیمان می‌بندد و دوباره عهد و پیمان را می‌شکنند. همچنین «بنی بکر» و «بنی خزاعه» قضیه به همین صورت است. «بنی خزاعه» ابتدا هم پیمان با مسلمانان بودند و «بنی بکر» هم پیمان با قریش بودند؛ زمانی که مشرکین قریش عهد شکستند، نبی گرامی اسلام با قریش اعلان جنگ کرد و در سال هشتم با بیش از ده هزار نیروی رزمنده و بیش از ده هزار سرباز تا به دندان مسلح اعلان جنگ کرد و وارد مکه شد و مکه را فتح کرد.

چنین نبود که اگر مشرکین عهد و پیمان بشکنند، دوباره پیغمبر اکرم با آنها مذاکره کند و دوباره عهد و پیمان دیگری ببندد.

حتی ابوسفیان پدر یکی از زنان پیغمبر اکرم برای عذرخواهی از شکستن عهد به مدینه آمد. او به منزل دختر خود «أم حبیبه» رفت و خواست روی تشکی که پیغمبر اکرم می نشست، بنشیند، «أم حبیبه» گفت: پدر! این تشک متعلق به نبی گرامی اسلام است. تو نجس هستی و حق نشستن روی تشک پیغمبر اکرم را نداری!

هرچه ابوسفیان از شکستن عهد و پیمان عذرخواهی کرد، نبی گرامی اسلام به هیچ وجه از آنها قبول نکرد.

به تعبیر مقام رهبری آیا برخورد و برداشت شما از قرآن همین است که ما مقدسات دینی و قرآنی خودمان را برای رسیدن به بعضی از اهداف و آمال خود به حراج بگذاریم!!؟

حداقل این بزرگان که پایبند به اصول اسلامی و قرآنی و حوزه علمیه هستند، به آیات قرآن کریم توجه کنند.

شما یک مورد به ما نشان بدهید که نبی گرامی اسلام با کفار و مشرکین عهد بستند، آن‌ها عهد شکستند و پیغمبر اکرم دوباره با آنها مذاکره کرده باشد.

«بنی قریظه» در قضیه جنگ احزاب عهد شکستند و نزد پیغمبر اکرم عذر آوردند که ما عهد و پیمان را فراموش کرده بودیم و اشتباه کرده بودیم. پیغمبر اکرم برای یک مرتبه عذر آنها را پذیرفت، اما بلافاصله وقتی آنها عهد و پیمان شکستند خداوند دستور می‌دهد:

(الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَ هُمْ لَا يَتَّقُونَ فَإِنَّمَا تَتَّفَقَتَهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرَّدُوهُمْ مَنْ خَلَفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ)

کسانی که با آنها پیمان بستی سپس هر بار عهد خود را می‌شکنند و (از پیمان شکنی و خیانت) پرهیز ندارند. اگر آنها را در (میدان) جنگ بیابی آن چنان به آنها حمله کن که جمعیت‌هایی که پشت سر آنها هستند پراکنده شوند، شاید متذکر گردند (و عبرت گیرند).

## سوره انفال (۸): آیات ۵۶ و ۵۷

برنامه‌های قرآنی و آیات الهی ما چنین است! در بعضی از موارد آمده است که پیغمبر اکرم از رأفت اسلامی استفاده فرمودند.

حضرت با بعضی از افراد همانند «بن أسود» یا «عکرمه بن أبی جهل» که در فتح مکه آنها را مهدور الدم اعلام کرده بود، در زمینه‌ای که پیش می‌آید با رأفت برخورد می‌فرماید.

در مقابل، امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: یکی از زنان صحابه سرقت کرده بود و رسول اکرم هم دستور قطع دستور او را داد. صحابه عرضه داشت: یا رسول الله! این زن از اشراف است. قطع دستور او مشکل ساز می‌شود و تعدادی از اشراف رنجیده می‌شوند.

نبی گرامی اسلام فرمود: اقوام و ملل گذشته نابود و هلاک شدند به خاطر اینکه حدود الهی را نسبت به اشراف اعمال نکردند و تنها در حق ضعفاء روا داشتند. پیغمبر اکرم با اصرار علی رغم اینکه زن اشراف بود، دستور قطع ید او را داد.

رسول الله این چنین بودند. حتی بعضی از کفار به بعضی از صحابه پناهنده شده بودند که پیغمبر اکرم به کسانی که در فتح مکه مهدور الدم اعلام کرده بودند، پناه نداد.

### انکار وحدت در میان امت اسلامی، در حقیقت انکار قرآن است!

نکته دیگر پیرامون هفته وحدت است. بنده در این چند دقیقه ای که از وقتم باقی مانده است پیرامون این قضیه صحبت می‌کنم. بحث وحدت، بحث ضروری اسلامی است و ربطی به شیعه و سنی و وهابی هم ندارد.

قرآن کریم بزرگ منادی وحدت است. اگر امروز کسی منکر وحدت در میان امت اسلامی باشد، در حقیقت انکار قرآن و آیه قرآن کریم است.

حال سؤال این است که مراد از وحدت چیست؟ آیا مراد از وحدت این است که ما سنی‌ها را شیعه یا شیعه‌ها را سنی کنیم؟!

به تعبیر «شهید مطهری» وحدت این نیست که ما از اصول مسلم خود با تکیه بر مشترکات دست برداریم یا از دیگران این درخواست را داشته باشیم.

مراد از وحدت این است که شیعه و سنی، بلکه دیگر ملل ادیان ابراهیمی در گفتار و رفتار طوری برخورد کنند که احساسات و عواطف طرف مقابل را جریحه دار نکنند. این است مراد از وحدت!

اگر این قضیه اتفاق بیفتد که در حال حاضر متأسفانه ما می‌بینیم در میان بعضی از گروه‌های ما به ویژه شیعه‌های انگلیسی، فتنه‌ای با تندروی‌ها ایجاد می‌کنند که قطعاً خطرشان از خطر وهابیت و داعش بالاتر است.

در قضیه «اسپایکر» که روز دوم و سوم تسلط داعش بر «موصل» بود، هزار و هفتصد دانشجوی شیعه را سلاخی کردند. داعشی‌ها اسلحه بر شقیقه جوانان شیعه می‌گذارند و می‌گویند: «هذا انتقام عائشة فی النار»!

می‌گویند: این انتقام توهینی است که بعضی از شبکه‌های شیعیان انگلیسی به عایشه کرده بودند. آیا حضرت صدیقه طاهره به این کارها راضی است؟ قطعاً این چنین نیست.

شما معارف اهل بیت را ملاحظه کنید که بنده تنها آدرس آن را عرض می‌کنم. در کتاب «کافی» جلد ۴ صفحه ۶۸۰ حدیث چهارم و پنجم آمده است که وقتی از امام صادق می‌پرسند: تعامل ما با اهل سنت چگونه باشد؟ حضرت می‌فرماید:

«تَنْظُرُونَ إِلَىٰ أَيْمَتِكُمُ الَّذِينَ تَقْفُونَ بِهِمْ، فَتَضَعُونَ مَا يَضَعُونَ»

نگاه کنید به پیشوایان خود، آنان که از آنها پیروی می کنید و هر طور آنها رفتار کنند شما نیز همان طور رفتار کنید.

«فَوَ اللَّهُ، إِنَّهُمْ لَيَعُودُونَ مَرَضَاهُمْ، وَ يَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ، وَ يَقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ، وَ يُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ»

بخدا سوگند آنها عیادت بیمارانشان را می کنند، و بر سر جنازه هاشان حاضر گردند و بسود و زیان آنها گواهی دهند و امانت های آنها را با آنها رد کنند.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۴، ص ۶۸۰، ح ۴

دهها مورد از این روایات در منابع ما وجود دارد. بنده تنها به جمله ای اشاره کنم. «مرحوم شیخ صدوق» در کتاب «اعتقادات الإمامیة» و «علامه مجلسی» در کتاب «بحار الانوار» جلد ۷۱ صفحه ۲۱۷ وارد شده است:

«وَ قِيلَ لِلصَّادِقِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنَّا نَرَىٰ فِي الْمَسْجِدِ رَجُلًا يَغْلِبُ بِسَبِّ أَعْدَائِكُمْ وَ يَسْمِيهِمْ»

افرادی به امام صادق عرضه داشتند: یابن رسول الله! ما در مسجد فردی را مشاهده می کنیم که آشکارا به دشمنان شما دشنام می دهد و آنها را نام می برد.

«فَقَالَ: «مَا لَهُ - لَعْنَةُ اللَّهِ - يَغْرِضُ بِنَا»

امام صادق فرمود: چه مرضی دارد؟ لعنت خدا بر او باد! با این کارش زبان دشمنان را علیه ما باز می کند.

## إعتقادات الإمامية (للصدوق)، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ص ۱۰۷، باب الاعتقاد فی التقیة

اینها آموزه‌های اهل بیت است. بنده بارها گفتم که ما منتی بر اهل سنت نداریم، بلکه قرآن کریم و اهل بیت عصمت و طهارت این دستورها را به ما دادند. امیدواریم خداوند عالم هفته وحدت و میلاد این دو نور پاک را بر همه ما و شما مبارک گرداند.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته